شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهرداری مشهد
- مدیر عامل: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRARANEWS.IR

۵شنبه

سال چهاردهم
۲۰ مرداد ۱۴۰۱
۱۳ محرم ۱۴۴۴
شماره ۳۷۳۲

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۲۹٪	↓ ۱۷° ↑ ۳۱°	
صبح ۲۱	ظهر ۳۳	
عصر ۲۶	شب ۳۲	

اوقات شرعی مشهد

- اذان ظهر ۱۲:۳۶:۴۶
- نیمه شب شرعی ۲۳:۴۹:۳۷
- غروب آفتاب ۱۹:۲۷:۰۷
- اذان صبح فردا ۰۴:۱۳:۱۶
- اذان مغرب ۱۹:۴۶:۳۷
- طلوع آفتاب فردا ۰۵:۴۷:۱۳

چاپی خونه آقامیرزا

با تشکر از فامیل های وابسته

رضا احسان پور
نویسنده شاعر و طنزپرداز

آقامیرزا با لبخند گفت «با این پوست نازک، چطوری می خواهی آتش جهنم رو تحمل کنی؟» سپهر شیر آب سرد را بست و دستش را چند باری در هوا تکان داد؛ «کاش من هم مثل شما بودم.» آقامیرزا قوری را گذاشت رو کتری؛ «منظورت پوست کلفته؟!» و بعد بلافاصله ادامه داد «یا منظورت تفلون ونچسبه؟» سپهر تکیه داد به ظرف شویی؛ «نه! یعنی به خاطر سنم می تونستم مثل شما با همه شوخی کنم؛ مثلا من الان جواب اون شوخی جهنم و پوست نازک رو داشتم بگم ولی نگفتم!» آقامیرزا گفت «خب بگو!» سپهر بدون اینکه چیزی بگوید زل زد به آقامیرزا؛ آقامیرزا هم کمی مکث کرد و گفت «خاموشی؟!» سپهر گفت «خاموشی!؟» آقامیرزا ادای بستن زیپ دهان را درآورد؛ «اینکه چیزی نمی گی یعنی جواب ابلهان خاموشی است دیگه!» سپهر جا خورد؛ «نه! دور از جون؛ جسارت نکردم.» آقامیرزا ظرف شکلات را هل داد جلو سپهر؛ «فیلم هندی دوست داری؟» سپهر داشت تلاش می کرد که پوسته شکلات را به هر زحمتی هست باز کند؛ «این وسط فیلم هندی چی می گه؟!» آقامیرزا هم یک شکلات برداشت؛ «آخه به جای جواب، زل زدی تو چشم هام؛ گفتم لابد فیلم هندیه و باید از توی چشم هات حرفت رو بخونم!» آقامیرزا بلند شد، در قوری را برداشت و بخار قوری را نفس کشید؛ سپهر گفت «جدا از شوخی واقعا برام سؤاله که آخر این زندگی چی می شه؟!» آقامیرزا سینی را گذاشت روی میز و استکان ها را چهارتا چهارتا چید توی سینی؛ «آخرش تیتراژ میداد!» سپهر گفت «بیا بیرون از بالیوود آقامیرزا!» آقامیرزا دوباره نشست؛ «اعلامیه فوت ندیدی؟! تیتراژ زندگی هر آدمیه! عنوانش که اسم خودته، اسم عوامل فیلم هم همون فامیل های وابسته است!» سپهر گفت «یعنی هیچی؟! یعنی ته زندگی هیچی نیست!؟» آقامیرزا خندید و گفت «حرف توی دهن من نذار! تیتراژ کم چیزی نیست! مخصوصا اون تهش که می نویسند با تشکر از...» سپهر، کنجکاوتر پرسید «خب؟» آقامیرزا قوری را برداشت و استکان ها را یکی یکی پر کرد؛ «هر چی اون قسمت «با تشکر از» تیتراژ، شلوغ تر باشه، یعنی اون فیلم خیلی فیلم خفنی بوده.» سپهر کتری را برداشت و نیمه خالی استکان ها را پر کرد؛ «اگه یه نفر تنها باشه و کسی رو نداشته باشه چی؟» آقامیرزا گفت «الحمدا...!»؛ سپهر کتری را گذاشت روی میز؛ «چی؟! الحمدا... که تنهاست؟» آقامیرزا کتری را برداشت و مابقی استکان ها را پر کرد؛ «نه! الحمدا... یعنی با تشکر از خدا! اگه توی اون قسمت تیتراژت بنویسی الحمدا...، چه اسم بقیه رو بنویسی چه ننویسی خودبه خود تیتراژت پر شده! هم اول فیلمت توی «بسم ا...» خدا رو داری و هم آخر تیتراژ! دونونه! ولی باز هم بگرد، حتی اگه شده اسم یه نفر رو هم بنویس!» سپهر با تعجب گفت «سه نونه؟! اینکه کفره! بهش می گن تثلیث!» آقامیرزا خندید و گفت «حالا نرو بالای دیپلم! من که از خودم نمی گم؛ خودش گفته کسی که از بقیه تشکر نکنه، از من هم تشکر نمی کنه!» سپهر به فکر فرو رفت؛ آقامیرزا ادامه داد «خوش به حال اونی که از همون بسم ا... فیلمش، به فکر تیتراژ آخرشه و هر روز تیتراژش رو شلوغ تر می کنه؛ هر روز اعلامیه اش رو ویرایش و به روز می کنه.»

چمدان

سفری کوتاه با طعم گیلاس

اگر تمایل دارید آخر هفته خود را در دامن طبیعت بگذرانید، فریمان می تواند گزینه مناسبی باشد. به دلیل برخورداری از روستاهای کوچک و بزرگ و طبیعت های سرسبز و جذابش که قدم به قدم در این منطقه وجود دارد. پیشنهاد ما سفر به دو روستای «تنگل مراغه» و «چرم» است. روستاهای چرم، مراغه، احمدآباد و همت آباد در میانه راه مشهد-فریمان جا خوش کرده اند. مشهدی ها برای رسیدن به این روستاها باید ۴۰ کیلومتر در جاده فریمان برانند و در منطقه «سنگ آتش» با مشاهده تابلوی راهنمای این روستاها به سمت راست بپیچند و ۲۰ کیلومتر دیگر ادامه مسیر دهند تا به دوراهی برسند. سمت راست دوراهی به سمت «چرم» و سمت چپ آن به سمت «تَنگل مراغه» می رود. از داخل روستای مراغه تا رسیدن به تنگل تابلوی راهنما نصب شده است.

مناجات و حکایات

پروردگارا از مشکلی که بر من فرود آمده سخت به تنگ آمده ام، و وجودم به خاطر حادثه ای که برایم رخ داده اندوه فراگرفته است، تنها تو توانایی برای برطرف ساختن آنچه به آن دچار شدم و دفع آنچه در آن افتادم، پس به فضل خویش آن را برایم به انجام برسان، هرچند خود را سزاوار آن از سوی تو نمی دانم، ای صاحب عرش بزرگ.

صحیفه سجادیه، بخشی از دعای هفتم

اول شخص

گلبرگ عاشقی

درباره سیدرضا مؤید خراسانی، که عمرش را صرف ارادت و محبت به خاندان پیامبر(ص) و آرمان های انقلاب کرده است

علیرضا حیدری|روزنامه نگار

شاید برایتان جالب باشد که بدانید از جمله اشعاری که همچون ترکیب بند محتشم در ایام محرم بر کتیبه های حرم امام رضا(ع) نقش می بندد، این شعر استاد سیدرضا مؤید است که:

آفرینش ز غبار قدم توست، حسین
آسمان سایه نشین علم توست، حسین
هر کجا عشق و کمال و عظمت دایره بست
نقطه دایره، نوک قلم توست، حسین

شاید بشود گفت که هیچ مناسبتی در تقویم تشیع نیست که سیدرضا مؤید برای آن شعری نداشته باشد و هیچ مداحی را نتوان یافت که اشعاری از او را در حافظه نداشته باشد. در کنار این امتیازات، می توان از نوحه ها و دم های زیادی از وی یاد کرد که جانمان را نواخته است.

در وصف او زیاد شنیده ایم؛ مانند این شعر استاد شفق که «مؤید سال ها از عشق دم زد/ در آفاق خداجویی قدم زد/ مؤید شاعر شعر ولایی است/ خراسانی است اما کربلایی است» و یا این شعر ولی ا... کلامی زنجانی از شاعران آیینی کشورمان که: «شاعری که در مدینه، در نجف، در کربلا/ شعرش آتش بر دل ما زد، مؤید می شود/ شاعری که روضه را بانی شد و بر سردرش/ پرچمی با نام زهرا زد، مؤید می شود.» صفا و صمیمیت بارزترین ویژگی اخلاقی سیدرضا مؤید است و با نگاهی اجمالی به اشعار وی می توان این صفا و صمیمیت را در سروده هایش دید. اشعار مؤید بدون تکلف و رها از چهارچوب های مصنوعی است و با همه سادگی اش در نگاه اول لذت بخش می شود. در جایی گفته بود پدرم اصالتا یزدی است که با سفر به مشهد در پناه امام رضا(ع) ساکن شد؛ از این رو، خود و اشعارش را مشمول عنایت حضرت رضا(ع) می داند.

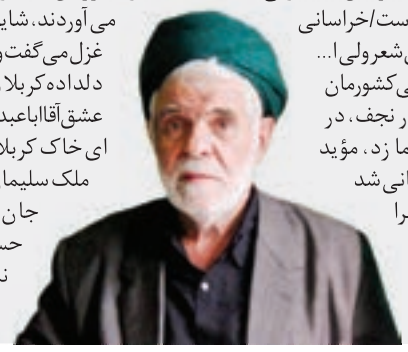

پر بیراه نیست اگر او را دعبل انقلاب بنامیم که شعارها و شعرهای او در روزهای تشییع جنازه شهدا در دوران هشت سال جنگ (روزهای دوشنبه و پنجشنبه) جمعیت تشییع کننده را به هیجان می آورد. گواه این نکته، فرمایش رهبر معظم انقلاب است که در خرداد ۱۳۹۰ و در جمع شاعران آیینی بیان کردند و فرمودند: «به برخی از موضوعات در شعرهای آیینی کم پرداخته می شود؛ از جمله موضوعات مربوط به مسائل انقلاب، مسائل جنگ و دفاع مقدس است. البته در یک دوره ای خیلی خوب بود. همین آقای مؤید در زمان جنگ وقتی جنازه های شهدا را به مشهد می آوردند، شاید هر روزی یا هر چند روزی یک غزل می گفت و مداح ها این ها را می خواندند.» دلداده کربلا و امام حسین(ع) است و بارها در عشق آقا ابا عبدا... سروده است و از آن جمله است: ای خاک کربلای تو مهرنماز من/ این مهر را به ملک سلیمان نمی دهم
جان می دهم به شوق وصال تو یا حسین/ تا بر سرم قدم ننهی جان نمی دهم.

روایت روز

خدا کند اربعین

سید محمدرضا هاشمی

شام غریبان امسال رفتیم خانه حاج عمو و در کنار دیگر اعضای فامیل عزاداری کردیم. این شب برای من همیشه غربت عجیبی دارد. غربتی که وقتی روضه مخصوص به همان شب را می شنوم تشدید می شود. این حال را چند سال قبل وقتی اربعین را در کربلا گذراندیم و داشتیم با اتوبوس به سمت نجف می آمدیم هم تجربه کردم. از شیشه نه چندان تمیز اتوبوس که راننده اش پشت به پشت سیگار می کشید زل زده بودم به عمودهای مسیر کربلا به نجف. عمودهایی که دو سه روز قبل دانه به دانه شمرده بودم تا برسم به حرم آقا امام حسین(ع) و برادر رشیدش قمر بنی هاشم(ع). موکب داران عراقی داشتند بساط عاشقی شان را جمع و جور می کردند تا بروند بعد از روزها خدمت به زائران حسینی زندگی را از سر بگیرند. هرچند از پشت شیشه اتوبوس نمی شد چهره آن ها را دید اما می شد حس کرد که موکب داران عراقی دلشان چقدر غم دارد. در آن هوای دم کرده که باد با سرعت می آمد و کلی پلاستیک و کاغذ را با دمی داد، داشتم به مسیر نجف به کربلا فکر می کردم که چقدر دلش برای زائران اربعین تنگ می شود. نخل های کنار جاده چقدر دلشان برای رسیدن اربعینی دیگر و سایه انداختن بر سر زائران آقا تنگ می شود. در کل راه تا مرز شلمچه فکر اینکه شنیده بودم آدم یک بار که برای زیارت اربعین به عراق برود بعد دیگر طاقت ندارد ایام اربعین در خانه باشد، بی تابم کرده بود. به این فکر می کردم که همین الان در حالی که هنوز در خاک عراق بودم دلم برای حرم تنگ شده. سال بعدش اربعین خانه بودم و دلم در بین الحرمین جا مانده بود. اما امسال نمی دانم چه می شود، خدا کند آقا طلبیده باشد. امسال اگر اربعین برای زیارت بروم کار نکرده زیاد دارم، ترجیح می دهم با چشمان بازتری عاشقی زائران را ببینم و عکس های بیشتر در مسیر حرم ثبت کند.

عکس روز

شهر سیاه پوش در ایام محرم

محرم امسال بیش از ۱۲ هزار پرچم در شهر نصب شد که این پرچم ها شامل پرچم های آویزستونی، بیرق های نصب شده در خطوط بی آرتی، بیرق های سردری و پرچم های اهتزازبوده است. همچنین نصب چهار عدد برج پرچم بزرگ با سایز ۱۰ در ۲۰ با رنگ مشکی و سه پرچم بزرگ ساختمانی با سایز ۱۱ در ۳۰ متر در میدان بزرگ شهدا از دیگر اقداماتی است که سازمان فرهنگی شهرداری مشهد انجام داده است.

عکس: حدیث فقیری | فوتوشهر

خیمه شهر

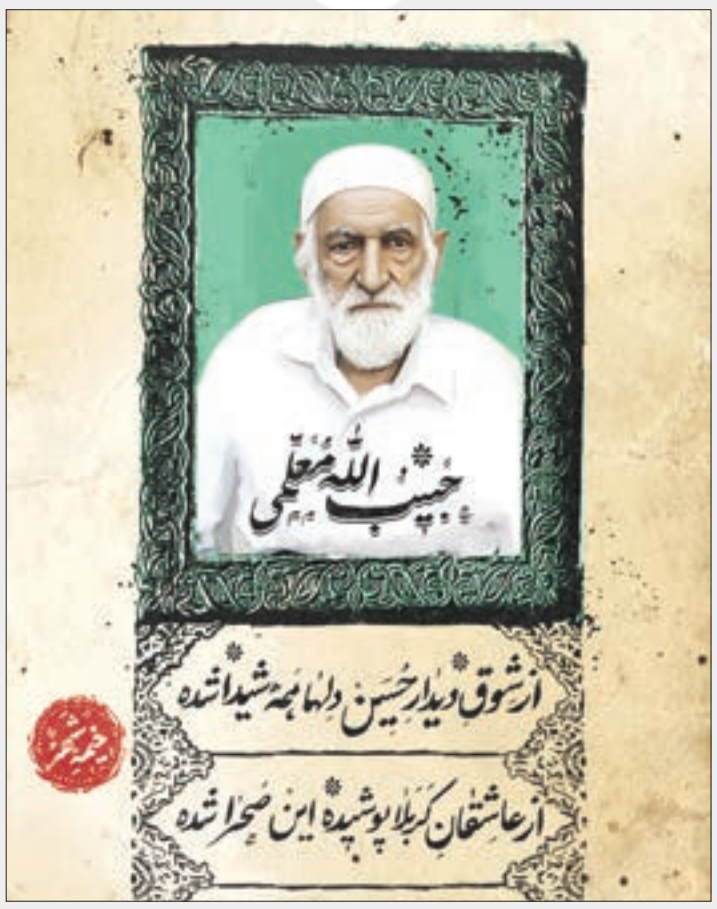

حبیب ا... معلمی شاعر فقید اهل بیت است که در تیرماه ۱۳۹۲ بدرود حیات گفت. «خونین نامه عاشقان حسین»، و «شفق خونین» از جمله آثار شاخص اوست.

طرح: جلال حاجی زاده

غبار روبی دل

کمک به زائر شیرازی

حسین اصغرایزی

رفتن به کربلا از خاطرات خوش زندگی من است. در سال ۱۳۹۸ با جمعی از همکاران پاکبان شهرداری مشهد برای خدمت در عتبات عالیات، مشرف شدیم و بعد از زیارت حرم امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) ما راهی شهر نجف و زیارت حرم حضرت علی(ع) شده و طبق هماهنگی هایی که از قبل انجام شده بود برای غبار روبی و نظافت مسیر مشخص شده که دقیقا خیابان اصلی روبه روی حرم بود توفیق داشتیم و من هر روز نیز به زیارت می رفتم.

یک روز که در مسیر منتهی به حرم در حال کار بودیم یکی از زائران که از هم وطنان خودمان بود و از کاروانش جا مانده بود و تمام وسایلش از جمله تلفن همراه را گم کرده بود، گریه کنان کنارم ایستاد. به سویش رفتم و مشکلش را پرسیدم. فهمیدم که از هیچ کدام از دوستانش حتی یک شماره تلفن ندارد، من با شارژ گوشی ام از نجف به شیراز و با یکی از آشنایانش تماس گرفتم و آن ها از شیراز با مدیر کاروان تماس گرفتند و پس از ساعاتی دوستانش به دنبال آن زائر آمدند. امیدوارم بار دیگر سفر به کربلا و عتبات عالیات نصیبم شود.

خاطرات کاروان مشهدی خدام الحسین(ع) برگرفته از کتاب «غبار روبی دل»

چکامه های حسینی

محمد بیابانی

آسمان هم خجل از چشم تو و بارانت
آخری نیست بر این گریه بی پایانت
آب می بینی و طفل و گل و سقا و جوان
بیشتر می شود انگار غم پنهانت
زهر هر چند که یک روز به دادت آمد
تو چهل سال به لب آمده هر شب جانت
غیر زینب چه کسی درد تو را می داند
که چه آورده خرابه به دل ویرانت
سخت سوزاند دلت را غم آن جسم کبود
خواهرت بود که جان داد روی دامانت
زخمی بزم شراب است دلت بیخود نیست
که چهل سال نکرد اشک دوا درمانت
خیزران تا که به دستان کسی می بینی
درد می گیرد ناگاه لب و دندانت

آواهای عاشورایی

مداحی برای حضرت امام سجاد(ع) با صدای حاج محمود کریمی